خراسان روزنامه صبح ایران
چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۶ .۱۸ جمادی الثانی ۱۴۳۹ .شماره ۱۹۷۷۵

محمود طلوعی
(۱۳۹۴-۱۳۰۹ هـ.ش)

نویسنده، روزنامه نگار و مورخ دوران معاصر بود. وی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، سردبیری مجله خواندنی ها را بر عهده داشت و سپس به نگارش کتاب های تاریخی روی آورد. آثار طلوعی، افزون بر نثر خواندنی و جذابشان، در بر گیرنده اطلاعات مستند تاریخی است. از آثار وی می توان به «بازیگران عصر پهلوی»، «فرهنگ جامع سیاسی» و «خواندنی های تاریخی» اشاره کرد.

گزارش تاریخی

آرتور میلسپو؛ اقتصاددانی بدون سابقه اجرایی

آرتور میلسپو، اقتصاددان آمریکایی و دانش‌آموخته دانشگاه جان هاپکینز که به واسطه دو بار حضور خود در رأس اداره امور مالی ایران، در میان ایرانیان به شهرت رسیده، بین مورخان معاصر، دارای مخالفان و موافقان بسیاری است. میلسپو یک بار در سال ۱۳۰۱ و بعد از جنگ جهانی اول، در ظاهر برای سامان دادن اقتصاد بی‌برنامه ناشی از هرج‌ومرج‌ونیز بحران‌های جنگ جهانی اولِ ایران، توسط قوام‌السلطنه استخدام شد. این اتفاق مصادف با وزیر مختاری حسین علاء در واشنگتن بود. قوام به او دستور داد فرد مناسبی را پیدا کند و علاء، با کمک بخش اقتصادی وزارت خارجه آمریکا، یک اقتصاددان سی و نه ساله به نام میلسپو را به ایران معرفی و در عین حال تأکید کرد که درباره عملکرد وی، هیچ‌گونه مسئولیتی به عهده نمی‌گیرد! بار دوم نیز در سال ۱۳۲۱ و در جریان جنگ دوم جهانی و درپی فرار پهلوی اول از ایران، میلسپو در رأس امور مالی ایران قرار گرفت. بسیاری از منابع بر این باورند که عملکرد میلسپو در دوره نخست، ستایش‌آمیز بوده است و بنابراین، مایل‌اند همه تغییرات مثبت صورت گرفته در امور مالیه و پیشرفت‌های دیگر را مرهون وی و مهندسان همراهش بدانند. فقدان سابقه استعماری آمریکا در باور روشنفکران و مردم ایران آن زمان، سبب شد دولت و مجلس ایران بدون ایجاد حساسیت جدی، قانون استخدام میلسپوی آمریکایی را با حقوق قابل توجه ۱۵ هزار دلار و با امکانات رفاهی کامل (خانه و اثاثیه) و اختیارات غیرقابل باور برای یک بیگانه به مدت پنج سال، تصویب و اجرا کنند. واقعیت آن بود که دولت ایران، در پس پرده استخدام میلسپو، قصد داشت با جلب کمک‌های مادی و سیاسی آمریکا، عنصر سومی را وارد سیاست ایران کند و از این طریق، از خطرات ویرانگر رقابت روس و انگلیس در ایران، بکاهد. ایران، ۱۱ ماه قبل از به کار گرفتن میلسپو نیز، با استخدام مورگان شوستر آمریکایی، قدم در چنین راهی گذاشته بود. نیت نخست دولت ایران، استفاده از میلسپو به‌عنوان مستشار برای سامان دادن به اقتصاد ایران بود، اما وی که عملاً هیچ‌گونه سابقه اجرایی در آمریکا نداشت، در پی اختیارات عملی و اجرایی بود. میلسپو در دوره نخست حضور خود، در حالی همه کاره مالیه ایران شد که اقتصاد ایران تحت تأثیر فقدان طولانی مجلس، نبودن برنامه‌ریزی و آثار مخرب جنگ جهانی اول، در شرایط نامساعدی قرار گرفته بود. خزانه کشور خالی و حقوق کارمندان ماه‌ها به تأخیر افتاده بود. در تهران، افراد با نفوذ با بهره‌برداری از وضعیت نابه‌سامان یادشده، حاضر به پرداخت مالیات خود نبودند. میلسپو توانست نظام مالیاتی ایران را منطقی‌تر و به عبارتی آن را به شیوه ممالک رشد یافته تنظیم کند. مأموریت دوم میلسپو در ایران، از بهمن ۱۳۲۱ تا آذر ۱۳۲۴، با حرف و حدیث‌های فراوان‌تری نسبت به دوره اول همراه بود. حُسن شهرت میلسپو در دوره نخست، سبب شد که به واسطه تقویت قدرت دولت مرکزی، بسط پیدا کرد و سبب روان‌تر و منظم‌تر شدن وصول مالیات‌ها شد، عامل اصلی دعوت دوباره وی به ایران بود. اما شرایط، مانند گذشته نبود. بودجه بیست برابر شده بود. انحصارطلبی و تمامیت‌خواهی میلسپو، در کارزار مالی نیز که ظاهراً جزو خوی ذاتی وی محسوب می‌شد و بدبینی او به ایرانیان (که بعدها در کتابش آشکار شد)، دشمنان و رقبای داخلی وی را که حال دیگر از نظر علم و تجربه نیز کم از وی نبودند، به مقابله با او واداشت. «قدرت و نفوذ میلسپو در آن زمان طوری بود که هروقت اراده می‌کرد، وزیر دارایی را به دفترش احضار می‌کرد و او هم فوراً اطاعت می‌کرد، به نخست‌وزیر می‌گفت اعتبار به دولت نمی‌دهم؛ مگر این که فلان کار انجام شود و دولت هم مجبور بود قبول کند» این اقدام باعث شد که به تدریج، برخی مقامات در برابر او مقاومت کنند. این بار، برخلاف گذشته، افکار عمومی نیز حضوری را برنمی‌تابید. سرانجام، مجلس در دی ماه سال ۱۳۲۳، قانونی مبنی بر سلب اختیارات وی تصویب کرد.

کدام اهانت ها ،زمینه ساز حذف «رزم آرا» شد؟

دست ملت در آستین «استاد خلیل»

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

«حاجیعلی رزم‌آرا» یکی از مرموزترین عوامل رژیم پهلوی بود؛ نظامی سیاستمداری که زندگی‌اش، حاشیه‌های فراوانی داشت. او افسری تحصیل کرده بود و هوش نظامی بالایی داشت. رزم‌آرا در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی، در تهران متولد شد؛ پدرش، رئیس مدرسه نظام بود. او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه فرانسوی آلیانس طی کرد و سپس، وارد مدرسه نظام شد. رزم‌آرا پس از پایان تحصیلات، به نیروی نظامی قزاق پیوست و در همین کسوت بود که در عملیات سرکوب نهضت جنگل، زیر نظر رضاخان میرپنج شرکت کرد و زیرکی و استعداد خود را به او نشان داد. پس از رسیدن رضاخان به سلطنت، رزم‌آرا برای گذراندن دوره آموزش کلاسیک نظامی، به فرانسه فرستاده شد و دوره دانشکده نظامی معروف «سن‌سیر» را طی کرد. او در سال ۱۳۰۸، با درجه سرهنگ دومی به ارتش پیوست و تا سال ۱۳۱۴ که به تهران فراخوانده شد تا در دانشگاه جنگ تدریس کند، فرماندهی هنگ کرمانشاه و تیپ مستقل لرستان را برعهده داشت. رزم‌آرا در سال ۱۳۱۶، اداره جغرافیایی ارتش را تأسیس کرد و خود به ریاست آن منصوب شد. وی در این مسئولیت، از خود کاردانی فراوانی نشان داد. بی‌تردید، مجموعه ۱۸ جلدی جغرافیای نظامی او، یکی از شاهکارها در این زمینه محسوب می‌شود. «محمود طلوعی» در کتاب «بازیگران عصر پهلوی» می‌نویسد: «رزم‌آرا از جمله افسرانی بود که در روزهای بحرانی اوایل شهریور ۱۳۲۰ برای مشورت درباره واکنش ارتش ایران در برابر تجاوز نیروهای روس و انگلیس به شورای عالی جنگ فراخوانده شد و در حالی که افسران دیگر با درجه سرلشکری و سوابقی به مراتب بیشتر از او، برای خوشایند رضاشاه، از لزوم مقاومت در برابر مهاجمان سخن می‌گفتند، با استناد به آمار و اطلاعات دقیقی که در اختیار داشت، گفت که ارتش ایران بیش از چند روز یا حداکثر یک هفته، نمی‌تواند در برابر نیروهای مهاجم مقاومت کند و صلاح در ترک مخاصمه، پیش از انهدام کامل ارتش ایران است.»

■ جدال با سرلشکر ارفع

رزم‌آرا، با چنین ویژگی‌هایی، خیلی زود مدارج نظامی را طی کرد. او، پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه، به دلیل انتظام‌بخشیدن به وضعیت آشفته لشکریک مرکز، با درجه سپهبدی به ریاست ستاد ارتش منصوب شد. رزم‌آرا مدتی بعد، به ریاست دانشکده افسری رسید و با ارتقا به درجه سرلشکری، دوباره به ریاست ستاد ارتش منصوب شد. با این حال، به دلایلی که دقیقاً معلوم نیست، یک سال پس از رسیدن به مقام ریاست ستاد ارتش، شاه او را معزول کرد و سرلشکر ارفع جای او را گرفت. ارفع که با رزم‌آرا خصومت دیرینه داشت، وی را در سال ۱۳۲۳، در ۴۳ سالگی، بازنشسته کرد. دو سال بعد، قوام‌السلطنه که در آن زمان نخست‌وزیر بود، به توصیه «مظفر فیروز»، از شاه ،اعاده به خدمت رزم‌آرا را درخواست کرد. بازگشت وی به ارتش، مصادف با غائله حزب دموکرات آذربایجان بود. با وجود این، شاه چندان رغبتی به بازگشت رزم‌آرا نداشت. «رضا قدس»، طی مقاله‌ای پژوهشی در شماره ژانویه سال ۱۹۹۳ مجله آمریکایی «بررسی‌های خاورمیانه» (Middle Eastern Studies)، به این موضوع اشاره می‌کند و می‌نویسد: «احمد قوام، نخست‌وزیر ایران هنگام بحران آذربایجان... رزم‌آرا را به فرماندهی تیپ کردستان منصوب کرد. شاه که از ابتدا به موفقیت و محبوبیت فرماندهان نظامی حسادت می‌ورزید، به این انتصاب، اعتراض کرد و رزم‌آرا را خائن و کمی بهتر از عوامل شوروی نامید.» اما رزم‌آرا توانست خیلی زود نظر شاه را درباره خود تغییر دهد و با پشت کردن به قوام‌السلطنه که او را به ارتش بازگردانده بود، زمینه رضایت شاه را فراهم کند.

■ عاشقانه‌هایی برای اشرف!

افرادی که از نزدیک با رزم‌آرا آشنا بودند، او را فردی جاه‌طلب و مقام پرست معرفی کرده‌اند. هرچند این خصوصیت را می‌توان در بسیاری از اطرافیان شاه مشاهده کرد، اما رزم‌آرا، به دلیل هوش نظامی فوق‌العاده و سریع‌الانتقال بودن، همیشه یک سر و گردن از رقبا بالاتر بود. «حسین فردوست» در خاطراتش می‌نویسد: «رزم آرا فوق‌العاده مقام‌پرست بود و این مقام‌پرستی ناشی از استعدادهای خاصی بود که در او وجود داشت... از هیچ فردی حساب نمی‌برد و اطاعت او از محمدرضا هم فقط برای وصول سریع به هدف‌های خودش بود.» علاوه بر این ویژگی‌ها، رزم‌آرا اعتقادی به اخلاق و قیود اخلاقی نداشت. او که با خواهر «صادق هدایت»، نویسنده معروف، ازدواج کرده بود، برای رسیدن به اهدافش، با «اشرف پهلوی» نیز ارتباط داشت و نامه‌هایش خطاب به او را با عنوان «پرستنده تو» امضا می‌کرد. رزم‌آرا در نامه‌های ظاهراً عاشقانه‌اش به اشرف نیز، نمی‌توانست مطامع سیاسی خود را پنهان کند. زمانی که موضوع نخست‌وزیری «عبدالحسین هژیر» جدی شد، رزم‌آرا سعی کرد تا از ارتباطش با اشرف، برای ضربه زدن به «هژیر» استفاده کند. او در نامه‌ای که در ۲۴ آبان ماه سال ۱۳۲۷ به اشرف نوشته، آورده است: «اگر تو خوش‌باشی، باز سعادتی است. مرا در حال خود بگذار. ولی در اوضاع تغییری حاصل نشده، وضع همان است که در نظر داری... عینکی (منظور هژیر است) را چند روز یک مرتبه دیدار می‌کنم. هنوز کارش معلوم نیست... انتظار دائم من؛ تا چه کند همت والای تو. به انتظار زیارت مرقومات عزیزت.» هرچند برخی از مورخان و افرادی مانند «نورالدین کیانوری»، دبیر کل حزب توده، رزم‌آرا را از نظر مالی، به سلامت و پاک‌دستی ستوده‌اند، اما بعید به نظر می‌رسد، فردی که برای رسیدن به اهدافش از هیچ کاری رویگردان نبوده‌است، از اتهامات مالی نیز، بری باشد.

■ زد و بندهای در دسرساز

جاه‌طلبی بیش از حد رزم‌آرا، برای اطرافیان او و به ویژه شاه، نگران کننده بود. او با تمام جناح‌های سیاسی زد و بند داشت؛ با سفارتخانه‌های خارجی ارتباط برقرار می‌کرد و رفتار دوگانه‌اش در برخی امور، شک همه را برمی‌انگیخت. رزم‌آرا می‌کوشید به هر کانونی که برای آن قدرتی متصور بود، نزدیک شود. ارتباطات او با حزب توده و به ویژه فرار سران این حزب از زندان، در دوران نخست‌وزیری رزم‌آرا، او را در مظان اتهامات فراوانی قرار داد، هرچند که گریختن توده‌ای‌ها از زندان، چندان به سود رزم‌آرا و دولتش نبود. رویکرد رزم‌آرا به گونه‌ای بود که انگلیسی‌ها او را فردی می‌دانستند که می‌تواند زیاده‌خواهی آن‌ها را در صنعت نفت ایران تضمین کند. آمریکایی‌ها نیز رزم‌آرا را عنصر مطلوب خود می‌دانستند، اما او برای حفظ قدرتش، خود را به برقراری رابطه با آمریکا و انگلیس محدود نمی‌کرد و خواستار ارتباط با شوروی هم بود. «رضا قدس» درباره این جمع اضداد در رویکرد سیاسی رزم‌آرا، می‌نویسد: «در حالی که آمریکا می‌خواست ایران مانعی در برابر شوروی باشد، بریتانیا خواسته مبرم دیگری از ایران داشت. آن‌ها تلاش می‌کردند قرارداد الحاقی را در مجلس ایران به تصویب برسانند. هدف این قرارداد... جلوگیری از ملی شدن نفت ایران بود... آن‌ها رزم‌آرا را شخصیتی قاطع و مصمم می‌دانستند که قادر است موجبات تصویب قرارداد را فراهم کند.» در عمل نیز، رزم‌آرا در جهت اهداف انگلیس گام بر می‌داشت. با وجود انتشار این شایعه که رزم‌آرا وابسته به آمریکایی‌ها بوده‌است، تظاهرات انگلیسی او بیش از تمایلات آمریکایی‌اش بود. رزم‌آرا برای آن که نظر شوروی را جلب کند، تصویر برداری نظامی آمریکا را از مناطق شمالی ایران ممنوع کرد و محدودیت‌هایی برای مسافرت‌های دیپلماتیک آمریکایی‌ها به ایران، به وجود آورد. «یاری روبین»، نویسنده و پژوهشگر معروف آمریکایی در کتاب «جنگ قدرت‌ها در ایران»، می‌نویسد: «[رزم‌آرا] از ادامه مذاکره با آمریکایی‌ها برای دریافت وام خودداری کرد. یک گزارش رسمی سفارت آمریکا در ایران، در این تاریخ، تأکید می‌کند که روابط آمریکا با ایران، به پایین‌ترین سطح خود پس از جنگ جهانی دوم رسیده‌است.» با این حال، رویکرد رزم‌آرا به گونه‌ای نبود که حمایت آمریکایی‌ها را به طور کامل از دست بدهد. او پس از رسیدن به مقام نخست‌وزیری، کوشید با «دکتر مصدق» نیز ارتباط برقرار کند، اما موفق به این کار نشد. رزم‌آرا تمام قدرت خود را صرف تصویب قرارداد الحاقی کرد. به ادعای «مصطفی فاتح» در کتاب «پنجاه سال نفت ایران»، رزم‌آرا با انگلیسی‌ها توافق کرده بود که برای جلوگیری از واکنش‌های احتمالی ناشی از تصویب قرارداد الحاقی نفت، آن‌ها قرارداد ۵۰-۵۰ نفتی با ایران را بپذیرند. با این حال، رزم‌آرا از انتشار خبر این توافق به شدت بیمناک بود. «فاتح» می‌نویسد: «شرکت [نفت انگلیس و ایران] حاضر شد اصل تنصیف [۵۰-۵۰] درآمد را قبول کند، ولی رزم‌آرا اصرار غریبی داشت که این قضیه مکتوم بماند.» اگر ادعای «فاتح» درست باشد، دلیل بیمناک بودن رزم‌آرا از انتشار توافق با انگلیسی‌ها را می‌توان به شروع مبارزات مردم ایران برای ملی شدن صنعت نفت و ضربه‌ای که انتشار این خبر به حیثیت رزم‌آرا وارد می‌کرد، مربوط دانست.

■ تصمیم فدائیان اسلام و اقدام استاد خلیل

مقاومت رزم‌آرا در برابر خواست ملت، یعنی ملی شدن صنعت نفت ایران، دلیل اصلی ترور او بود. افزون بر این، او به صراحت به مردم ایران، آرمان‌ها و توانایی‌های آن‌ها توهین کرد. رزم‌آرا، ایرانیان را از ساختن یک «لولهنگ» (آفتابه)، عاجز می‌دانست و برای خوش آمد انگلیسی‌ها، در مجلس شورای ملی، جملات نامناسبی را در این باره به زبان آورد. با این حال، درباره چرایی و چگونگی ترور و قتل رزم‌آرا، دو روایت کاملاً متفاوت وجود دارد. روایت نخست، ترور او را به «فدائیان اسلام» و «استاد خلیل طهماسبی»، از اعضای برجسته این گروه مبارز، منسوب می‌کند. «سیدهادی خسروشاهی» در کتاب «فدائیان اسلام؛ تاریخ، عملکرد و اندیشه» می‌نویسد: «رزم‌آرا در حالی که چهار نفر از دژبان‌های بسیار آزموده که خیلی مورد اعتماد او بودند، اطراف او را گرفته و اسدا... علم، وزیر کار دولت رزم‌آرا هم در پشت شانه چپ او حرکت و در گوشی با او صحبت می‌کرد [برای شرکت در مجلس ختم آیت‌ا... فیض] وارد مسجد شد... طهماسبی... به هر طریقی بود، اسلحه را بیرون آورد و با یک جهش میان دو پاسبان، مابین دو صف مأموران قرار گرفت و بی‌درنگ رزم‌آرا را هدف قرار داد... اولین تیر در سر او جای گرفت. تیر اول که شلیک شد، مأموران ریختند تا او را دستگیر کنند، ولی بلافاصله دومین و سومین تیر را، در حالی که رزم‌آرا در شُرُف افتادن بود، به کتف و شکم او خالی کرد و رزم‌آرا نزدیک حوض بزرگ مسجد سلطانی بر زمین افتاد.» بر اساس این روایت، رزم‌آرا به دلیل مخالفت با خواست ملت برای ملی شدن صنعت نفت و تلاش برای تأمین خواسته‌های اجانب، توسط «فدائیان اسلام» اعدام شد. دلیلی که باعث عمومیت یافتن این روایت شد، افزون بر اعتراف صریح «خلیل طهماسبی»، مصوبه مجلس شورای ملی دوره هفدهم، به تاریخ ۱۶ مردادماه سال ۱۳۳۱ بود. بر اساس این مصوبه که «شمس قنات‌آبادی» آن را به صورت ماده واحده و با قید «سه فوریت»، به مجلس تقدیم کرد، «چون خیانت حاجیعلی رزم‌آرا، بر ملت ایران ثابت گردیده، هرگاه قاتل او استاد خلیل طهماسبی باشد، به موجب این قانون مورد عفو قرار می‌گیرد و آزاد می‌شود.» البته، این ماده واحده، در ۱۰ دی‌ماه سال ۱۳۳۴ لغو شد و «استاد خلیل طهماسبی» نیز به شهادت رسید، اما تصویب این قانون، نقش مهمی در تأیید روایت نخست داشت. روایت دوم، روایتی است که افرادی مانند «محمود طلوعی»، در آثار خود به طرح و دفاع از آن پرداخته‌اند. «طلوعی» در کتاب خود، «بازیگران عصر پهلوی»، به نقل از «غلامرضا مصور رحمانی» می‌نویسد: «یکی از گروهبان‌های ارتش در لباس غیرنظامی، مأمور انجام کار شد که همراه با علم، وزیر کار، پشت سر رزم‌آرا حرکت کند. او مأمور بود همین که طهماسبی مبادرت به تیراندازی کرد، با گلوله کُلت، رزم‌آرا را مورد اصابت قرار دهد و بکشد. این طرح دقیقاً به موقع اجرا گذاشته شد و رزم‌آرا که به اصرار و راهنمایی علم به طرف مسجد حرکت کرد، بلافاصله پس از بلند شدن صدای گلوله طهماسبی، به دست آن گروهبان کشته شد.» طرفداران این روایت معتقدند که مسئول اصلی ترور رزم‌آرا، شاه بوده‌است. به عقیده این افراد، شاه به واسطه برخی عوامل نفوذی خود، از نقشه ترور رزم‌آرا مطلع شده بود. اما از آن جا که می‌ترسید رزم‌آرا از این ترور جان سالم به در ببرد و آن‌وقت به بهانه سوءقصد، همه و از جمله خود او را محدود کند و به حاشیه براند، به علم دستور داد تا فردی را برای تمام کردن کار به مسجد سلطانی ببرد. این فرد که در روایت دوم، یک گروهبان ارتش است، مأمور بود در صورت ناموفق بودن ترور، رزم‌آرا را هدف قرار دهد. با این حال، صرف نظر از چگونگی وقوع ماجرا، موضوعی که باید در بررسی ماجرای ترور رزم‌آرا همواره مد نظر قرار گیرد، فداکاری و از جان گذشتگی اعضای «فدائیان اسلام» برای تحقق خواست ملت و هموار شدن مسیر ملی شدن صنعت نفت، پس از مرگ رزم‌آرا است؛ امری که وقوع آن، تحولات فراوانی را در پی داشت و پیروزی ملت را رقم زد.

بازیگران تاریخ

سنت موریتس؛ شهری که برای شاه ناامن شد!

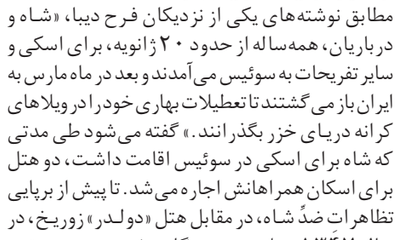

ویلای سوورتا در سنت‌موریتس سوئیس که یکی از مکان‌های گردشگری بسیار معروف و البته پرهزینه به‌شمار می‌آید، در سال ۱۳۴۸هـ.ش، با قیمت یک میلیون و ۸۰۰ هزار فرانک، توسط محمدرضا پهلوی خریده شد. شهر کوچک سنت موریتس در زمره شهرهای ایالت گراوبوندن (Graubünden) است و در منطقه مالوجا (Maloja) قرار دارد. سنت موریتس ناحیه‌ای بسیار مناسب برای اسکی و ورزش‌های زمستانی محسوب می‌شود؛ به‌طوری که دو دوره از بازی‌های المپیک زمستانی در سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۴۸م به میزبانی این شهر برگزار شد. با این که سنت موریتس، محل تفریحی بسیار لوکس و پرهزینه‌ای در سطح جهان است، اما دربارِ پهلوی که درآمد سرشار نفت را کاملاً در اختیار خود داشت، این محل را برای تفریح و اقامت انتخاب کرد. پس از حضور مداوم و درازمدتِ شاه و خانواده‌اش، به‌تدریج حضور وابستگان رژیم پهلوی در منطقه سنت موریتس، افزایش یافت. این شهر که قبل از دهه ۱۳۴۰ نیز، گاه مقصد تفریحی پهلوی دوم بود، از اوایل این دهه، به‌تدریج، مهم‌ترین اقامتگاه تفریحی محمدرضا پهلوی، خانواده او و حتی افراد وابسته به دربار شد؛ به‌طوری که آن‌ها چند ماه از سال را در آن جا سپری می‌کردند.

مطابق نوشته‌های یکی از نزدیکان فرح دیبا، «شاه و درباریان، همه‌ساله از حدود ۲۰ ژانویه، برای اسکی و سایر تفریحات به سوئیس می‌آمدند و بعد در ماه مارس به ایران باز می‌گشتند تا تعطیلات بهاری خود را در ویلاهای کرانه دریای خزر بگذرانند.» گفته می‌شود طی مدتی که شاه برای اسکی در سوئیس اقامت داشت، دو هتل برای اسکان همراهانش اجاره می‌شد. تا پیش از برپایی تظاهراتِ ضدِّ شاه، در مقابل هتل «دولدر» زوریخ، در سال ۱۳۴۷، پهلوی دوم هنگام سفر به سنت موریتس در هتل سُووِرتا اقامت می‌کرد؛ اما پس از این تاریخ، شاه دستور داد تا ویلای سُووِرتا را به عنوان مِلک شخصی و محل اقامت وی و خانواده‌اش در سفرهای تفریحی سوئیس، خریداری کنند. این ویلا با سنگ گرانیت و سالن‌های بزرگِ خود، از زیباترین و مجلّل‌ترین ویلاهای سنت موریتس محسوب می‌شد. خرید ویلا، به همراه اصلاحات و تغییرات دکوراسیون داخلی‌اش که به وسیله طراحان برجسته فرانسوی و دانمارکی انجام شد، در مجموع، تقریباً سه میلیون پوند خرج برداشت.

■ کابوس سنت موریتس

با این حال، از سال ۱۳۵۳ به بعد، حضور شاه و خانواده‌اش در این منطقه به‌تدریج کم‌رنگ شد. عَلَم در خاطراتش، که مربوط به شهریور ۱۳۵۴ش است، می‌نویسد: «به شاه گزارش دادم که سنت موریتس دارد جای خطرناکی می‌شود، دو روز پیش در زوریخ، رئیس پلیس سوئیس پرونده ضخیمی را به من نشان داد که پُر از گزارش‌هایی از افرادی بود که به توطئه برای قتلِ شاه مظنون بودند... شاه خیلی جا خورد و گفت اگر واقعا اوضاع این طوری است، سفر سال آینده را لغو خواهد کرد.»

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۵۹۰ پیرو آگهی های قبلی به بهروز عالی پور و حامد پور غلام فعلا مجهول المکان اخطار می شود در خواست آقای پدری دولت آبادی بطرفیت شما به خواسته مطالبه وجه چک بموجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵-۰۲۳-۱۵۷۳ در پرونده کلاسه ۹۶۰۵۹ حکم برداشت ۱۷۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اصل خواست و مبلغ ۵۷۱۵۰۰۰ ریال بت هزینه دادرسی و مبلغ ۴۵۰۰۰۰ ریال هزینه روزنامه و حق الوکاله وکیل طی تعرفه و پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید لغایت یوم وصول بر مبنای جدول شاخص تورم در حق خواهان محکوم شده اید م الراتب دیـنوسیله در روزنامه درج می گردد. رای صادره غیابی و از تاریخ درج در وزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این شورا است. م الف ۶۳۲۰۹ شعبه سه شهرستان مشهد - سوسن جاوید - بلوار شهید فره نی - نبش فره نی ۲۸ ۹۶۱۲۲۹۵-۸

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۱۲۱۷ - آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای اخانم وزیره غفوری فرزند خواهان آقای/خانم فرهاد مرادی دادخواستی به طرفیت خوانده آقای/خانم وزیره غفور به خواسته استرداد وجه الرهن مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۷۵-۰۲۳-۱۲۱۳ شعبه ۱۴۶ شورای حل اختلاف مجتمع شماره سه شهرستان مشهد ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۶ ساعت ۹:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جرائد کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد. م الف ۶۳۲۰۶ - متصدی امور دفتری شعبه ۱۴۶ شورای حل اختلاف مجتمع شماره سه شهرستان مشهد - هدا قاسمی مشهد -بلوار شهید فره نی- نبش فره نی ۲۸

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۶۵۳ - پیرو آگهی های منتشره در جرائد بدینوسیله به محکوم علیه آقای / خانم مرتضی ونوقی دارای شناسنامه شماره ..... به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶۱۶۸۶ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فاطمه جان پروژکی جوان به شناسنامه ۸۹۱۵ در تاریخ ۹۴/۱۱/۲۳در استان ۱۰ -احمد ونوقی بزدی - فرزند ۲- اکبر ونوقی بزدی - فرزند ۳- مصطفی ونوقی بزدی - فرزند ۴- مرتضی ونوقی بزدی - فرزند ۵- ابوالقاسم ونوقی بزدی - فرزند ۶- طاهره ونوقی بزدی - فرزند ۷- زهرا ونوقی بزدی - فرزند - اینک با انجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. م الف ۶۳۲۰۳ - قاضی شورا- شعبه ۱۵۴ شورای حل اختلاف شهرستان مشهد

رونوشت آگهی حصر وراثت نظر به اینکه آقای/خانم محمدیان دوست رای شناسنامه شماره ..... به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶۱۶۸۷ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمدعلی انصاری زاده به شناسنامه ۱۰۲۲۷ در تاریخ ۹۵/۹/۱۰ در استگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر ست به ۱- احمد انصاری زاده- فرزند ۲- حسین انصاری زاده- فرزند ۳- هدی انصاری زاده- فرزند ۴- مجید انصاری زاده- فرزند ۵- وحید انصاری ده- فرزند ۶- مسا انصاری زاده- فرزند اینک با انجام تشریفات مقدماتی رخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می باشد از ربع نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. م الف ۶۳۲۰۵ - قاضی شورا- شعبه ۱۵۴ شورای حل اختلاف پرستان مشهد

رونوشت آگهی حصر وراثت نظر به اینکه آقای/خانم فاطمه جوان دوست رای شناسنامه شماره ..... به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶۱۶۸۷ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمدعلی انصاری زاده به شناسنامه ۱۰۲۲۷ در تاریخ ۹۵/۹/۱۰ در استگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر ست به ۱- احمد انصاری زاده- فرزند ۲- حسین انصاری زاده- فرزند ۳- هدی انصاری زاده- فرزند ۴- مجید انصاری زاده- فرزند ۵- وحید انصاری ده- فرزند ۶- مسا انصاری زاده- فرزند اینک با انجام تشریفات مقدماتی رخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می باشد از ربع نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. م الف ۶۳۲۰۵ - قاضی شورا- شعبه ۱۵۴ شورای حل اختلاف پرستان مشهد

رونوشت آگهی حصر وراثت نظر به اینکه آقای/خانم زهرا بابایی مرغزار دارای شناسنامه شماره ..... به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶۱۶۸۸ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مسعود رحمانی به شناسنامه ۵۴۳۶۴۲-۰۹۲ در تاریخ ۹۶/۱۱/۲۹ در استگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱- حسن رحمانی- پدر متوفی ۲- زهرا بابایی مرغزار- مادر متوفی ۳- مژگان عباسی- همسر متوفی ۴- مهلا رحمانی- فرزند اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. م الف ۶۳۲۰۰ - قاضی شورا- شعبه ۱۵۲ شورای حل اختلاف شهرستان مشهد

رونوشت آگهی حصر وراثت نظر به اینکه آقای/خانم سمیه طالبی دارای شناسنامه شماره ۶۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶۱۶۴۹ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عبدالعلی طالبی به شناسنامه ۲۶۹۳ در تاریخ ۹۶/۱۰/۳۰ در استگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱- شهناز قنبریان- همسر متوفی ۲- شراقت خانم محمدیان- مادر متوفی ۳- محمدامین طالبی - فرزند ۴- جاوید طالبی- فرزند ۵- هادی طالبی- فرزند ۶- مهدی طالبی - فرزند ۷- سمیه طالبی- فرزند ۸- محمد طالبی - فرزند اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. م الف ۶۳۲۰۰ - قاضی شورا- شعبه ۱۵۲ شورای حل اختلاف شهرستان مشهد

رونوشت آگهی حصر وراثت نظر به اینکه آقای/خانم فاطمه علوی دارای شناسنامه شماره ..... به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶۱۶۵۷ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان هوشنگ مظفری به شناسنامه ۲۲۲ در تاریخ ۹۶/۱۱/۱۵ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱- هرمز مظفری - برادر متوفی ۲- شاپور مظفری - برادر متوفی ۳- فاطمه علوی - همسر متوفی - اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. م الف ۶۳۲۰۹ - قاضی شورا- شعبه ۱۵۴ شورای حل اختلاف شهرستان مشهد

رونوشت آگهی حصر وراثت نظر به اینکه آقای/خانم نجمه سوختانلو دارای شناسنامه شماره ۱۰۵۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶۱۶۶۵ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محم